

اعتصاب نشسته یا تصرف کارخانه از منظر تاریخی*

فریده ثابتی

یکشنبه اول دی ۱۳۸۷

این مقاله مسئله تصرف کارخانه ها توسط کارگران را به عنوان نوعی از مبارزه کاری ارزیابی می کند که در زمانی که کارفرما به هیچ وجه به خواسته های کارگران پاسخ نمی دهد معمولاً به عنوان آخرین راه حل در دستورکار کارگران قرار می گیرد و سیر این پدیده را در مجموع تا سال ۱۹۳۷ را دربرمی گیرد. از این نوع مبارزه با نام اعتصاب نشسته (sit down strike) یاد می شود، گرچه در مقاله گاه خود کلمه تصرف نیز به کار برده می شود. هدف از تصرف، پیشبرد کار به صورت جمعی و یا شورایی نیست بلکه در جریان آن کار تعطیل می شود اما کارگران ماشین ها و محیط کار را برای شروع کار بعد از اعتصاب آماده و تمیز نگه می دارند. در حقیقت تصرف نوعی از اعتراض و اعتصاب است که برای دستیابی به مطالبات کارگری انجام می گیرد.

از نظر تاریخی، چنین اتفاقی در ایالات متحده آمریکا برای اولین بار در سال ۱۹۰۶ در کارخانه جنرال الکتریک رخ داد. در سال ۱۹۱۰ کارگران زن در صنایع نساجی و پوشاک نیز به آن اقدام می کردند، اما شب را در کارخانه نمی ماندند بلکه معمولاً تصرف برای چند ساعت سازمان دهی می شد. نقطه اوج حرکت کارگری تصرف محل کار سال های ۱۹۳۶ و ۱۹۳۷ بود که ۴۸۵ هزار کارگر در آن شرکت کردند. این کارگران تصرف کننده از طرف دادگاه ها متهم به تجاوز به دارایی های خصوصی شدند.

کارگران معادن به ویژه در معادن ذغال سنگ در مواقع نارضایتی این کار را به طور مکرر انجام می دادند. آن ها کار را متوقف می کردند، اما معدن را ترک نمی کردند تا به خواسته های شان رسیدگی شود. در سال ۱۹۳۳ تعداد ۲۵۰۰ کارگر کارخانه بسته بندی " هورمل " در آستین مینه سوتا سه روز کارخانه را در تصرف خود داشتند. آن ها علیه سرعت بالای کار که بدون افزایش دستمزد میزان تولید را بالا می برد و با افزایش شدت کار از کارگر کار بیشتری بیرون می کشید، دست به اعتراض زدند.

در کشورهای اروپایی نیز کارگران معادن در زمان رکود در اعتراض به دستمزدهای پایین از تصرف معدن همراه با اعتصاب غذا استفاده می کردند. در سوم ژوئیه سال ۱۹۳۴ در یوگسلاوی، ۵۰۰۰ کارگر وارد معدن شدند و اعلام کردند تا زمانی که مزدهایشان بالا نرود به اعتصاب غذا و تصرف معدن ادامه خواهند داد. کار آن ها عصر همان روز با موفقیت به نتیجه رسید. کارگران معادن در ویلز، هند و لهستان نیز از این شیوه استفاده می کردند.

در صنایع لاستیک سازی " گودیر تایر " ایالات متحده که دستمزدها بسیار پایین و ساعات کار بسیار بالا بود کارگران در ماه های فوریه- مارس سال ۱۹۳۶ دست به اعتصاب نشسته زدند. در این سال، کارفرما کار روی باند را از ۶ ساعت به ۸ ساعت تبدیل کرد. بدین ترتیب دو ساعت اضافه کاری بدون مزد کارگران امکان اخراج ۷۰ کارگر را فراهم کرد. ۱۳۷ کارگر مرد در مخالفت با تصمیم کارفرما اقدام به اعتصاب نشسته کردند و دیگر کارگران را به

اجتماعی توده ای فراخواندند. فشار وارده از طرف کارگران کارفرما را مجبور به عقب نشینی و پذیرش خواسته های کارگران کرد. در سال ۱۹۳۶ در آمریکا هفته ای نبود که در آن یک اعتصاب نشسته رخ ندهد. به طور مثال، در یک مرکز صنعتی در مدتی کمتر از یک سال ۵۸ اعتصاب نشسته از چند ساعت تا سه روز رخ داد. اما وقتی کارگران تدریجا به صورت اتحادیه ای سازمان یافتند اعتصابات نشسته در جنبش کارگری آمریکا ناپدید شد!!!

در مقابل اعتصابات کوچک در آمریکا، در سال ۱۹۳۶ در فرانسه موجی از اعتصابات به راه افتاد که خودبه خودی و غیرسازمان یافته بود. در ماه مه کارگران در منطقه پاریس اقدام به تصرف محل کار و اعتصاب غذا کردند. دولت پلیس را به مقابله با کارگران فرستاد. درگیری های خونینی روی داد. اعتصاب از یک شاخه به همه شاخه های صنعت و همه کارخانه های منطقه گسترش یافت. این اعتصابات امکان رشد اتحادیه ها را فراهم کرد به نحوی که یکبارہ اعضای فدراسیون ملی کار از ۱۸ هزار نفر به ۲۲۰ هزار نفر و اعضای فدراسیون فرانسوی کار به ۵ میلیون نفر رسید. در این زمان، یک میلیون کارگر از صنایع خودروسازی، نساجی و پوشاک، کشتی سازی و غیره به اعتصاب دست زدند. اعتصابیون فرانسوی بسیار با نظم حرکت می کردند و مطالبات شان عبارت بود از ۴۰ ساعت کارهفتگی، حق قرارداد جمعی کار، حقوق کار، مرخصی و تعطیلات بامزد. دولت اعلام کرد که تصرف کارخانه ها را تحمل نخواهد کرد. اما کارگران بدون توجه به تهدید های دولت کار خود را انجام می دادند.

در اوایل بهار در صنایع خودروسازی در کلیولند یک اعتصاب کوتاه رخ داد که با چند ساعت تصرف کارخانه همراه بود. در ۱۷ نوامبر کارگران لاستیک سازی آکرون کار را متوقف و کارخانه را تصرف کردند. کمپانی به آن ها پیشنهاد داد که از کارخانه بیرون بیاند تا در مورد ادامه یا توقف کار تصمیم بگیرند. اما کارگران آن را نپذیرفتند. یک هفته بعد از تصرف کارخانه اعتصاب با موفقیت پایان یافت و کارگران به خواسته هایشان رسیدند.

یک نمونه شاخص

در نوامبر و دسامبر ۱۹۳۶ کارزار کارگران " یونایتد اتومبیل " آمریکا برای سازمان دادن کارگران در جنرال موتورز به اوج خود رسید. کارگران از پیشرفت کار کمیته سازمان دهی صنعتی کارگران راضی و شاد بودند. در ستیز بین تولید انبوه صنعتی و خواسته های کارگران، اولین مبارزه بزرگ در جنرال موتورز جریان یافت. در ادامه، تولید هفتگی از ۵۳ هزار اتومبیل به ۱۱۵۰۰ خودرو رسید. در ۱۱ ژانویه کارفرما از نیروی پلیس مستقر در کارخانه تقاضای کمک کرد. پلیس کارخانه برای درهم شکستن اعتصاب سعی کرد از رسیدن مواد غذایی از بیرون برای کارگران جلوگیری کند. کارگران در مقابل اتاق محل استقرار پلیس را نیز به تصرف خود در آوردند. پلیس شهری که در بیرون کارخانه و در خیابان مستقر بود برای بازپس گیری مرکز پلیس به کارگران حمله کرد و از بمب های گاز اشک آور علیه کارگران و نیروهایی که برای همبستگی با کارگران از نقاط دیگر به کارخانه آمده بودند استفاده کرد. کارگران با استفاده از دستگاه بخار کارخانه پلیس را مورد حمله متقابل قرار دادند. در جریان درگیری دو طرفه پلیس اقدام به تیراندازی کرد و در اثر تیراندازی ۱۴ کارگر زخمی شدند و ده ها نفر از استنشام گاز اشک آور آسیب دیدند. دادستان عمومی شهر دستور دستگیری کارگران زخمی به هنگام ترک بیمارستان داد. در این درگیری ها ۱۲۰۰ نفر دستگیر شدند که شامل کارگران و شرکت کنندگان در کارزار بودند. در بین دستگیر شدگان ۷

تن از رهبران کارگری نیز بودند.

بالاخره جنرال موتورز با مذاکره موافقت کرد. یکی از خواسته های کارگران این بود که می باید کارگران یونایتد اتومبیل به عنوان تنها طرف مذاکره کارگران مورد پذیرش قرار گیرند. قرار شد که کارگران پیروز با رژه کارخانه تصرف شده را بعد از چند ماه ترک کنند. ۳۰ دقیقه قبل ازین واقعه اطلاع حاصل شد که شرکت با یک اتحادیه وابسته به کارفرما یک قرارداد جمعی کار به امضا رسانده است. در نتیجه، از تخلیه کارخانه انصراف به عمل آمد. چند روز بعد کارفرما اعلام کرد که ۱۱۰ هزار کارگر امضا داده و خواهان بازگشت فوری به کار هستند که معلوم شد بسیاری ازین امضاها را با تهدید و ارعاب از کارگران گرفته اند.

در اول فوریه در بخش تولید موتور شورلت، کارگران در کارگاه شماره ۹ که از بقیه دورتر بود وارد اعتصاب نشسته شدند. پلیس شرکت با مقاومت کارگران مجبور به فرار شد. کارگران کارگاه شماره ۶ به کمک همکاران خود آمدند. عملیات از کارگاه شماره ۴، که با استفاده از کامیون های شرکت امکان استفاده از بلندگو برای همه کارگاه ها فراهم آورده شده بود، هدایت می شد. کارگران و اتحادیه کنترل این بخش را نیز به دست گرفتند و به این طریق جریان تولید به طور کلی قطع شد. باریگاد اورژانس زنان که از همسران، مادران و خواهران کارگران اعتصابی متشکل شده بود نقش مهمی را در مبارزه بازی می کرد. آن ها در کارگاه های شماره ۴ و ۹ برای جلوگیری از انداختن بمب های گاز اشک آور به درون سالن پنجره ها را مسدود کردند. در مقابل دروازه اصلی ورود به کارگاه شماره ۴ برای جلوگیری از حمله پلیس ایستادند و زنجیره انسانی درست کردند.

دادگاه روسای اتحادیه و کارگران اعتصابی را به خاطر چهارمین ماه اعتصاب و تصرف کارخانه به ۱۵ میلیون دلار جریمه محکوم کرد و برای تخلیه کارخانه به آن ها ۱۴ ساعت وقت داد. اعتصاب کنندگان از پذیرش و اجرای حکم دادگاه خودداری کردند. در مقابل، دادگاه حکم به دستگیری کلیه اعتصابیون داد. حکومت وارد عمل شد و برای تخلیه کارخانه از کارگران به گارد ملی آمریکا ماموریت داد. صف بندی طبقاتی بی واسطه تکمیل شد. کارگران در جریان عمل مبارزاتی خود به هستی طبقاتی خود و به چگونگی صف بندی نیروهای طبقاتی در جامعه ی طبقاتی آگاهی پیدا کردند. به دروغ هایی که دولت را حامی جامعه به طور کلی و پلیس را حافظ نظم زندگی معرفی می کرد تف کردند. فهمیدند هیچ چیز فراتر از طبقاتی وجود ندارد. دولت در سیستم طبقاتی کارگزار و حامی طبقه حاکم است و پلیس حافظ نظم مناسبات حاکم است تا مبادا به این مناسبات آسیب برسد. فهمیدند طبقه کارگر در مبارزه علیه مناسبات حاکم تنها و تنها می تواند به خود و به همبستگی طبقاتی طبقه خود اتکا کند. فهمیدند که در مبارزه علیه سرمایه چیزی ندارند که از دست بدهند جز زنجیرهایی که دست و پایشان را به مناسبات حاکم بسته است. به همین سبب، به حکم ۱۵ میلیون دلاری دادگاه به عنوان ارزش اضافی ای که طی این مدت کارفرما از فقدان استثمار نیروی کار آن ها از دست داده بود نگاه کردند.

اعتصاب بالاخره در ۱۱ فوریه ۱۹۳۷ پایان یافت و در ۱۶ فوریه یک قرارداد جمعی کار به امضا رسید و ساعتی ۵ سنت به دستمزد کارگران افزوده شد. بعد از ۴۴ روز تصرف کارخانه کارگران در صفی دراز و دو نفره با گردنی افراشته در حالی که سرود "جاودان باد همبستگی" را می خواندند و ۲۰۰۰ نفر از شرکت کنندگان در کارزار از آن ها استقبال می کردند سالن های تصرف شده کارخانه را ترک کردند.

در طی اعتصاب، کارگران بخش های دیگر به انحاء مختلف به حمایت از رفقای کارگر خود پرداختند. اتحادیه آشپزها برای کارگران اعتصابی غذا فراهم کرد. یک آشپزخانه تعاونی برای تهیه غذای ۸۰۰ کارگر اعتصابی ساخته شد. کمیته رانندگان کامیون تشکیل شد تا غذا را به محل اعتصاب حمل کند. اتحادیه کارگران حمل شیر رساندن شیر روزانه به اعتصابیون را تقبل کرد. می بایستی ماشین ها همواره تمیز شوند و آماده کار باشند. بنا براین، نظافت محل تصرف شده امر مهمی بود. به همین سبب یک کمیته نظافت تشکیل شد. نظم و ترتیب کارگری، نحوه ی گذران اوقات شبانه روز و ایجاد سرگرمی می بایست برنامه ریزی می شد، زیرا نمی شد ماه ها بدون برنامه زندگی کرد. گروه های مختلف کار و فعالیت تشکیل شد. گروه رقص، گروه آواز و ارکستر کر، گروه تولید شعر و موزیک، گروه های ورزشی؛ بسکتبال، هاکی، بوکس و پینگ پنگ، سالن آرایش، گروه اجرای شو، ایجاد کلاس های درسی و آموزشی، تشکیل پارلمان کارگری، بحث، سخنگویی عمومی، تبلیغات اتحادیه ای، اداره محل و حل مشکلات موجود، ایجاد امکانات صوتی به نحوی که طی روز سخنرانی ها و رهنمود ها بتواند در همه کارگاه های تصرف شده شنیده شوند. در مراکزی که زنان و مردان به صورت مختلط کار می کردند باید جلوی کارهای غیراخلاقی گرفته می شد. اغلب زنان شب ها به خانه فرستاده می شدند یا مقرراتی برای آن ها در شب وضع می شد. مرخصی های روزانه و ساعتی ترتیب داده شد. برای بازدید کنندگان پاسپورت درست می شد و ورود و خروج کنترل می شد. اسامی کسانی که ملاقاتی داشتند از بلندگوی دروازه خوانده می شد. یک اداره پست ویژه برای رساندن نامه های ورودی و خروجی درست شد. باریگادی برای جلوگیری از حمله های احتمالی و کشیک های ۶ ساعته ترتیب یافت. جلوی پنجره ها و درهای ورودی برای محافظت میله نصب شد. مسئله نژادی که ممکن بود مسئله ساز شود به فراموشی سپرده شده بود. محلی برای استقرار فیلم برداران و گزارشگران درست شد. هر مشکلی به طور جمعی به بحث گذاشته و حل می شد. برای راه پیمایی به بیرون از محل تصرف شده بعد از پیروزی نیز برنامه ریزی شده و روی آن تمرین می شد. به این طریق مبارزه ای آغاز شد، سازمان یافت و راهکار خود را پیدا کرد و پیروز شد. مبارزه ای که شیوه های عمل آن جدا از اهدافش می تواند به مبارزات جاری کارگران کمک کند.

فریده ثابتی

۲۰ دسامبر ۲۰۰۸

کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری

<http://www.hamaahangi.com>

hamaahangi@gmail.com

* این مطلب، ترجمه خلاصه مقاله ای است که در سال ۱۹۳۷ توسط ژوئل سایدمن در نیویورک برای "اتحاد برای دموکراسی صنعتی" به تحریر در آمده است. متن انگلیسی از سایت LabourNet Germany گرفته شده است.